

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ک. ابراهیم
۰۳ جون ۲۰۱۸

سکولاریسم رهائی بخش نیست!

این روزها تبلیغاتی از جانب سلطنت طلبان در زمینه خدمات رضاشاه پهلوی از جمله در مورد سکولار کردن دولت حاکم ایران را با غلوکردنهای گویلی سر می دهند. آیا در دوره ۱۶ ساله سلطنتش وی توانست به نظام ارباب رعیتی و کمپرادوری در ایران پایان بخشد؟ نه ولی او خودش را به مالک بزرگ صاحب هزار ده مرغوب هم مبدل ساخت؟ جواب صرفاً نه گفتن کافی نیست برای آگاهی شنونده ها. حتا بخشی از جریانات چپ براندازی جمهوری اسلامی را تحقق سکولاری شدن دولت ایران می دانند؟ بررسی این مقوله بدون اتکاء به علم اجتماعی ماتریالیستی دیالکتیکی تکامل مبارزه طبقاتی فاقد هرگونه اعتبار و حقانیتی می باشد.

بسیاری از مقولات اجتماعی در تعریف کیفیت حق، آزادی، سکولار بودن، دموکراسی، انتخاب نمایندگان، سلطنت، جمهوری خواهی، رفرا ندوم و غیره چیست را بدون جوابی علمی از نظر طبقاتی، بدون ریشه یابی علل بروز درکهای متفاوت هر کدام از این مقولات و ارائه نظری که به طور نسبی دقیق، معقول و قابل توضیح باشند نداده و از افتادن به گرداب دیدگاههای مافوق طبقاتی دفاع می کنند.

نباید به طور جاهلانه ای مثل کسانی بود که حتا امروز رضاشاه دیکتاتور ضد کمونیست و آزادی گش را "ابرقهرمان راه آزادی" تبلیغ می کنند و یا عده ای تصویر خمینی جنایت کار را "درما آسمان" مشاهده کردند، جایگاه واقعی این ادعاها را نشان ندهیم. امروز بیش از هر زمان دیگر نقش تکیه به آگاهی علمی اجتماعی و مسلح شدن به آن را در تمیز سیاه از سفید و باطل از حق بیاموزیم و در عمل به کار بیندیم.

آیا سکولاریسم در قالب "جدائی دین از دولت" رهائی بخش است؟ اگر جواب آری باشد چرا بعد از ۳۰۰ سال مدافعان سکولاریسم قادر به جدائی واقعی و راستین "دین از دولت" حتا در کشورهای امپریالیستی نشده اند؟ چرا امروز حتا یک کشور واقعاً سکولار در جهان به وجود نیامده و ناف ادیان به صورتهای مختلفی به ناف نظامهای طبقاتی حاکم موجود وصل اند؟!

زیرا زمانی که طبقه سرمایه دار در رهائی از زیر سلطه نظام غالب فئودالی در تلاش برای کسب قدرت از جمله سکولار کردن دولتها از طریق جلب هرچه بیشتر توده های مردم زیر سلطه فئودالها به حمایت از خود و به زیر مهمیز سرمایه سالاری خویش کشاندن، برقراری سکولاریسم را رهائی بخش قلمداد می کردند. اما به محض این که توانستند قدرت دولتی را به دست آورند، در مقابل خواستههای دموکراتیک توده ها، برای حفظ سلطه خود بایک معلق زدن نه تنها

با فئودالها و نهادهای دینی سازش کردند، بلکه با تمام وجود در حفظ توده های کار و زحمت در زیر استثمار و ستم دست به کار شدند:

به دست این دولتهای سرمایه دار، نه به طور قاطعی چه در سطح قانون اساسی هر کشور، چه ضبط کردن ثروت و مراکز تولیدی و خدماتی مدافعان کلیسا، مسجد، معبد، کنست، چه گرفتن مالیات از این مؤسسات دینی، چه جدائی از نهادهای آموزشی، قضائی، تبلیغاتی، مراسم مذهبی، تعطیلات رسمی مذهبی و غیره امتناع کرده و جدائی دین از دولت صورت واقعیت یافته ای نگرفته و حتا با ایجاد احزاب متکی بر دین و شرکت این گونه احزاب در هدایت دولت در کشورها مناسبات تنگاتنگ و فشرده ای بین دولت و دین برقرار کرده و تاحد حفظ این مناسبات تاکنون پای فشرده اند. اگر به تاریخ جوامع بشری در چند هزار سال اخیر نگاه کنیم، دو دیدگاه متفاوت ایده آلیسم و ماتریالیسم در برابری دیگر قرار گرفتند. در شرایطی که طبقات حاکم استثمارگر و ستمگر در حفظ موقعیت خویش به دنبال توجیهی در حفظ مناسبات ناعادلانه می گشتند تا این وضع حاکم و محکوم و دارا و ندار را معقول جلوه دهند، ادیانی که برای قابل تحمل کردن فشار و ستم عظیم نسبت به بی چیزان و حواله دادن امید دنیای بعد از مرگ را جهت دلداری مردم علم کردند و حتا در ابتداء معدودی از مسیحیان در صدد ایجاد مناسبات برابری نه در مالکیت بلکه در تقسیم نیاز زندگی برآمدند که دوام چندان نیابورند و مسیحیت در آشتی با حاکمان و دست یابی به ثروت و قدرت در خدمت به دولتها درآمد. این امر هنوز امروز نیز ادامه دارد.

به این ترتیب، اگر به ارزیابی علمی و همه جانبه کمونیسم علمی در تلاش برای از بین بردن مناسبات طبقاتی و نظامهای استثمار و ستمگرانه و تبعیضهای ضدبشری نیندیشیده و به طور سطحی مثلاً وجود دموکراسی و آزادی و غیره را در کشورهای امپریالیستی باور داشته باشیم، در این صورت راه رهایی راستین و علمی پیشروی را نیافته و جز خدمت به بقای این مناسبات کهنه و فاسد و ظالمانه هنری از خود بروز نخواهیم داد.

مارکس با دقت علمی بی نظیری در برخورد به مسائل پایان دادن به سلطه دین، آزادی سیاسی و دولت در کتاب درباره مسئله یهود نوشت: "تاریخ به اندازه کافی در خرافات حل شده است، اکنون خرافات را در تاریخ حل خواهیم کرد. مسئله رابطه آزادی سیاسی با مذهب برای ما به مسئله رابطه آزادی سیاسی به آزادی انسان تبدیل می شود. ضعف مذهبی دولت سیاسی را از طریق نقد دولت سیاسی در شکل سکولار آن، جدا از ضعف مذهبی اش، نقد کنیم..." "هنگامی که دولت به عنوان دولت، مالکیت خصوصی را لغو می کند، انسان به طریق سیاسی اعلام می دارد که به محض آن که شرط مالکیت برای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن لغو شود...، مالکیت خصوصی نیز لغو خواهد شد..." با وجود این، دولت به مالکیت خصوصی به میزان تحصیلات، به مقام شغلی اجازه می دهد تا به شیوه خود یعنی به عنوان مالکیت خصوصی، به عنوان میزان تحصیلات و به عنوان مقام شغلی عمل کند و با ماهیت ویژه خود تأثیرگذار باشد. دولت نه تنها این تمایزات واقعی را لغو نمی کند بلکه وجودش مشروط به وجود آنها است."

اما باید اذعان کنیم که مشکل فقط به درک یک جانبه از سکولاریسم خلاصه نمی شود. با بروز جنبش توده ای در حدود ۱۰۰ شهر در دیماه [جدی] ۱۳۹۶ در ایران و در شرایطی که هیچ تشکیلی قادر به هدایت این جنبش نشد، دیدگاه جنبشی بودن راه رهایی توده های مردم در ایران در جریان تبدیل شدن به دیدی عملی توسط افراد و نیروهای چپ مورد تبلیغ قرار می گیرد. وجود جنبشهای متعدد کارگری، روستا نشینان، زنان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان، ملیتها، نویسندگان و هنرمندان، دسته جاتی مذهبی و غیره انکار ناپذیر است. اما در هیچ جایی از جهان این جنبشها چه به صورت رسته ای و چه جمعی با حفظ نظرات خود به طور جداگانه و یا متحد تا به امروز قدرت دولتی را به دست نگرفته اند و دلایل هم روشن است که در این جنبشها با درکها و خواسته های گوناگون بعضاً در مقابل هم ممکن است

وجود داشته باشد. بنابراین وحدت این جنبشها همانند وجود نخ تسبیح توانمندی است که دانه های زیادی را در کنار هم و در حرکت باهم نگه می دارد.

راهنمایی و حرکت متحد این جنبشها نیاز به قرار گرفتن جنبش کارگری در رأس رهبری مبارزات این جنبشها دارد که علت اساسی وجود تمامی این جنبشها را عمده‌تاً ناشی از حاکمیت نظام مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و استثمار و ستم این مالکان که در ایران سرمایه داری، دانسته و گرد این طبقه تاریخ ساز کنونی جنبشها باید جمع شوند تا تومار رژیم منحط و فاسد سرمایه داری را درهم بپیچند. امری که کمونیسم علمی این راه ظفرمند را با روشنی ترسیم نموده و ایجاد حزب طبقه کارگر کمونیست را پیشقراول جنبش کارگری و جنبشهای توده‌ی درپیش گذاشته و صحت عملی این رهنمود را ثابت کرده است. اما تزلزلی که امروز در میان تشکلهای چپ ایران در این مورد موجود است و تن به ایجاد چنین حزبی در پیوند فشرده با کارگران کمونیست نمی دهند دست به نظر سازی غیرمادی و یک جانبه اتحاد جنبشها باهم را ساز کرده اند، سرسختی به غایت غیر علمی است که نه قابل تحقق و نه پایدار می تواند باقی بماند.

بنابراین از کلیه کمونیستهای که پای بند دفاع از کمونیسم علمی هستند، دست به اقدام اتحاد فشرده با هم و طرد سکتاریسم تشکیلاتی در خدمت به کاری کارستان را در پیشبرد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر شروع کرده و فرقه گرائیها و عدول از رهنمود های کمونیسم علمی را افشاء نموده و گام استواری در این حرکت انقلابی به پیش بگذارند.

۱۳ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۷ (۳ مه ۲۰۱۸)